

کشاورزان زن و اثربخشی فعالیت‌های ترویجی

● ترجمه و تدوین: مهندس رضا موحدی، پژوهشی میدانی در کشورهای تایلند، نیجریه، سوریه و ترینیداد

چکیده:

توسعه کشاورزی فرایندی پیچیده و در عین حال چالش برانگیز می‌باشد. مطالعه حاضر بر پایه چهار زیربخش عمده در فرایند توسعه کشاورزی شامل تحقیق، ترویج، خدمات و ارباب رجوع بنا نهاده شده که در ترکیب هماهنگ با یکدیگر موجبات رشد پایدار و باثبات در بخش کشاورزی را فراهم می‌آورند. بدون تردید در کشورهای جهان سوم زنان نقشی چشمگیر و حیاتی بر عهده دارند. آنان نه تنها در مزرعه، پا به پای مردان فعالیت می‌کنند، بلکه تقریباً سنگینی تمامی کارهای منزل را نیز یک تنه بر دوش می‌کشند. در سالهای اخیر بر ضرورت مشارکت زنان در فعالیتهای توسعه، تاکید خاص مبذول گشته است. آگاهی روزافزون نسبت به نقش زنان در فرایند توسعه و لزوم مشارکت گسترده‌تر آنان در روند توسعه اجتماعی و اقتصادی سبب شده تا در سیاستهای نوین ملی، محلی و روستایی از فعالیت‌های آنان حمایت و پشتیبانی بیشتری به عمل آید. هدف اصلی این تحقیق بررسی اثربخشی فعالیتهای ترویج کشاورزی خاص زنان روستایی است، که در طی آن پیشنهادها و نتایجی در خصوص بهبود وضع موجود و آینده ترویج در انتقال فن آوری و دانش جدید کشاورزی به زنان و استفاده بهینه از فنون و مهارتهای کشاورزی در راستای افزایش بهره‌وری و درآمد خانواده، ارائه شده است. مطالعه حاضر در چهار کشور تایلند، ترینیداد، نیجریه و سوریه انجام شده است.

مقدمه:

نقش زنان^۱ در تأمین غذا در کشورهای در حال توسعه بسیار پراهمیت است. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، زنان روستایی تکیه‌گاه اصلی نیروی کار در مزرعه، درآمد خانوار و کشاورزی معیشتی به حساب می‌آیند. زنان به عنوان یکی از عوامل غیرمشهود و نامرئی در اقتصاد کشاورزی، سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی را در سطح جهان تشکیل می‌دهند. زن روستایی وظایف و نقشهای مختلف و متعددی بر عهده دارد: همسر، مادر، تولیدکننده محصولات زراعی و شریک در فعالیتهای دامداری، کاشت، داشت، برداشت، فرآوری، بازاریابی و تهیه خوراک و غذا. زنان روستایی در حین کشت محصولات معیشتی برای تأمین مواد غذایی مورد نیاز خانواده، ممکن است به زراعت‌های نقدی نیز بپردازند. با وجود این، زنان روستایی با محدودیتهای و تنگناهای زیادی روبه‌رو هستند. آنها در دسترسی به زمین، اعتبارات و خدمات ترویج نسبت به مردان مشکلات بیشتری دارند. از طرف دیگر، آماری که در مورد میزان فعالیتهای زنان ارائه می‌شود، بسیار پایتیر از حد واقعی است؛ چراکه در این آمارها غالباً بسیاری از اوقات اشتغال فصلی، پاره‌وقت، بدون دستمزد و فعالیتهای خانه‌داری آنان منظور نمی‌شود. مداخله‌هایی که بعضاً در امر توسعه روستایی صورت می‌گیرد و نقش مشارکت زنان در آنها نادیده گرفته می‌شود، باعث کاهش موفقیت زنان شده است.

به همین خاطر لازم است راهبردها و برنامه‌های توسعه و نیز پروژه‌ها و برنامه‌های برانگیزنده و تشویقی در خصوص تولید محصولات غذایی و کشاورزی، به گونه‌ای طراحی شوند که متضمن یکپارچه‌سازی و مشارکت کامل زنان در تمامی سطوح برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی، در هر مرحله از چرخه فرایند توسعه باشند، تا علاوه بر هموار شدن راه مشارکت و افزایش نقش اساسی زنان، منافع، حقوق و پاداشهای متناسب با سهم آنان در این زمینه تضمین و تأمین گردد.

در سالهای اخیر بر ضرورت مشارکت زنان در فعالیتهای توسعه تأکید خاص شده است.

آگاهی روزافزون از نقش زنان در فرایند توسعه و لزوم مشارکت گسترده‌تر آنان در جریان توسعه اجتماعی و اقتصادی سبب شده تا در سیاستهای نوین ملی، محلی و روستایی از فعالیتهای آنان حمایت و پشتیبانی بیشتری بشود. بسیاری از کشورها با تأسیس نهادها و سازمانهایی که خود را متعهد به تلاش برای ترقی و پیشرفت زنان می‌دانند، در صدد از بین بردن آن دسته از موانع قانونی هستند که اجازه نمی‌دهد زنان در فعالیتهای و منافع

حاصل از توسعه به اندازه مردان شریک و سهیم باشند.

اگر زنان که در تأمین غذا نقش عمده دارند، در حد کافی به منابع، نهاده‌های تولید و خدمات دسترسی نداشته باشند، استفاده بهینه و کامل از ظرفیت تولیدی منابع انسانی (زنان و مردان) صورت نخواهد پذیرفت.

هدف اصلی این تحقیق، بررسی مقایسه‌ای اثربخشی فعالیتهای ترویج کشاورزی در خصوص زنان است. در این تحقیق که عوامل دخیل در اثربخش بودن خدمات ترویج کشاورزی در خصوص زنان کشورهای در حال توسعه را بررسی می‌کند، پیشنهادهایی برای بهبود وضع موجود و آینده ترویج در انتقال فناوری و دانش جدید کشاورزی به زنان و استفاده بهینه از فنون و مهارتهای کشاورزی در راستای افزایش بهره‌وری و درآمد خانواده ارائه شده است.

مطالعه حاضر در مناطق انتخابی از چهار کشور تایلند، ترینیداد، نیجریه و سوریه انجام شده است. این تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی و روش مورد استفاده در آن، روش مقایسه‌ای است.

روش نمونه‌گیری، تصادفی و از نوع طبقه‌بندی چندمرحله‌ای است. تعداد کل افراد نمونه شامل ۴۸۰ نفر کشاورزان زن، ۵۸ نفر مدیر، ۴۰ نفر متخصص موضوعی ترویج (SMS) و ۳ ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه و روشهای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه، مصاحبه و بررسی تحقیقات موجود در این زمینه بوده است.

بیان مسأله و سؤالات تحقیق

همان‌طور که در هفتمین اجلاس کمیته کشاورزی فائو در سال ۱۹۸۳ آمده، نزدیک به نیمی از نیروی کار بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه را زنان تشکیل می‌دهند. تحقیقات نشان می‌دهند که مسئولیت اصلی تأمین غذای خانواده برعهده زنان است. تقریباً در همه‌جای دنیا مسئولیت عمل‌آوری و تبدیل فرآورده‌های غذایی و ذخیره و تهیه غذا برای خانواده بر دوش زنان است. زنان در کشاورزی، نیروی کاری محسوب می‌شوند و فعالیتهای تولیدی و درآمدزا نیز نقش دارند، به طوری که بخش عمده درآمد تمام مایحتاج خانواده را تأمین می‌کنند.

مسئولیت نگهداری دامهای کوچک (مرغ، ماکیان و...) و دامهای بزرگ (گاو، گوسفند، شتر و...) برعهده زنان است و در بسیاری از کشورها نیز زنان نقش مهمی در پرورش ماهی در آبهای کم عمق ایفا می‌کنند. علاوه بر این، زنان در تولید محصولات نقدی نیز نقش مهمی دارند، اما به‌رغم تمامی این موارد، معمولاً نقش زنان تولیدکننده در شبکه‌های ترویج کشاورزی جهان نادیده گرفته می‌شود.

تا قبل از برگزاری کنفرانس جهانی اصلاحات ارضی و توسعه روستایی (WCARRD) در سال ۱۹۷۹ به نقش زنان چندان اهمیت داده نمی‌شد تا اینکه در این کنفرانس بیانیه‌ای منتشر شد که مفاد آن از جمله چنین است: «رشد توسعه روستایی بر مبنای رعایت اصول برابری، مستلزم مشارکت و وارد کردن کامل زنان در این فرایند است. زنان باید همگام و همپای مردان در جریان‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی توسعه روستایی سهیم باشند و در دستیابی به زمین، آب، منابع طبیعی، نهاده‌ها و سایر خدمات و فرصتهای برابر به‌طور کامل در نظر گرفته شوند.»

متعاقب بیانیه کنفرانس اصلاحات ارضی و توسعه روستایی، توجه و تأکید زیادی به فقرزدایی، بهبود وضع تغذیه و خوداتکایی در مناطق روستایی - به ویژه در سطح خانوار - مبدول گردید. امروزه در مورد اهمیت مشارکت کامل و یکپارچه زنان در جریان توسعه، شناخت بیشتری به دست می‌آید و این امر منجر به شناسایی بیشتر، لزوم آموزش زنان و دسترسی آنان به نهاده‌ها و خدمات اجتماعی در جهت تأمین غذا و فعالیتهای یکپارچه روستایی می‌شود. با این حال، معمولاً در برنامه‌های ترویج کشاورزی که برای زنان در نظر گرفته شده، ضعفهایی نیز وجود دارد که عمده‌ترین آنها عبارتند از:

۱- توجه بیشتر به کشاورزان پیشرو و تولید نهایی، بدون توجه به خانوارهای فقیر روستایی، خانوارهای باسپرستی زنان و خانوارهای بدون زمین.



۲- درک غلط و نادرست از نقشها و مسئولیتهای واقعی زنان.

۳- واگذاری امور زنان به افرادی که با مشکلات و نیازهای آنان آشنایی کافی ندارند.

۴- تبعیض جنسیتی بین کارگران ترویج.

۵- به کار نگرقتن روشهای صحیح و متناسب ترویجی برای زنان (FAO, 1987).

به‌طور کلی انواع دانشها، اطلاعات و مهارتهای فنی را می‌توان از طریق نظامهای آموزشی رسمی و غیررسمی (ترویج کشاورزی) انتقال داد؛ ولی این امر در مورد زنان روستایی فرق می‌کند. در امر کشاورزی برای پیشبرد اثربخش ترویج کشاورزی و برنامه‌های آموزشی برای زنان، شناخت و بررسی دقیق شرایط پیچیده اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی - اجتماعی و دینی - مذهبی ضرورت دارد. به همین خاطر در این تحقیق سعی شده تا به سؤالاتی از قبیل پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- چه شرایطی برای بهبود اثربخشی برنامه‌های ترویج کشاورزی خاص زنان روستایی لازم است؟

- مسایل و راه‌حلهای لازم برای پیشبرد برنامه‌های ترویج کشاورزی خاص زنان روستایی چیست؟

- راهبردها و راهکارهای عملی دولت و مراکز توسعه در انتقال دانش، فنون و مهارتهای پیشرفته کشاورزی به زنان کشاورز چیست؟

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق، بررسی مقایسه‌ای اثربخشی فعالیتهای ترویج

تقسیم زنان در تأمین غذا در کشورهای در حال توسعه بسیار پر اهمیت است. در بیشتر کشورهای در حال توسعه، زنان روستایی تکیه گاه اصلی نیروی کار در مزرعه، درآمد خانوار و کشاورزی معیشتی به حساب می آیند. زنان به عنوان یکی از عوامل غیرمشهود و نامرئی در اقتصاد کشاورزی، سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی را در سطح جهان تشکیل می دهند.

کشاورزی خاص زنان روستایی است که اهداف اختصاصی زیر را دربر دارد:

- ۱- شناخت واقعی زنان به عنوان ارباب رجوع نظام ترویج کشاورزی؛
- ۲- شناسایی توانایی های ترویج کشاورزی در ارائه خدمات مشاوره ای بهتر به زنان؛
- ۳- تجزیه و تحلیل برنامه های ترویج کشاورزی نسبت به جلب مشارکت زنان؛
- ۴- شناسایی محدودیتهای نظام ترویج در ارائه خدمات به زنان؛
- ۵- ارائه پیشنهادهایی برای بهبود اثربخشی فعالیتهای ترویج کشاورزی خاص زنان.

متغیرهای تحقیق:

الف- متغیر وابسته

در این تحقیق، اثربخشی فعالیتهای ترویج کشاورزی تنها متغیر وابسته است. محقق، اثربخشی را به عنوان «قابلیت رسانش خدمات ترویج کشاورزی به زنان کشاورز در یک منطقه کشاورزی مشخص» تعریف کرده است. برای تعیین اثربخشی، محقق بر اساس مبانی نظری تحقیق و نظر متخصصان ترویج ۲۶ مورد از شاخصهای اثربخشی فعالیتهای ترویج را در ارتباط با زنان مشخص کرده و آنها را بر اساس یک طیف پنج گزینگی شامل (۱) خیلی مهم، (۲) مهم، (۳) نسبتاً مهم، (۴) کمی مهم، و (۵) بی اهمیت از ۳۰ نفر از کسانی که در زمینه ترویج از دانش کافی برخوردار بودند پرسیده و آنگاه جوابهای خیلی مهم را انتخاب کرده است. سرانجام ۱۱ مورد به عنوان شاخص اثربخشی به شرح زیر تعیین شده است:

ردیف	شاخصهای اثربخشی ترویج در این ناحیه
۱	رهیافتها و روشهای ترویجی خاص زنان
۲	تعداد فعالیتهای ترویجی خاص زنان
۳	مشارکت زنان در برنامه های ترویج
۴	ارتباط تحقیق- ترویج
۵	نظارت و ارزشیابی برنامه های ترویج کشاورزی خاص زنان
۶	تعداد کارمندان زن ترویج و سمت آنها
۷	نسبت مروج به کشاورز زن
۸	تسهیلات آموزشی مورد نیاز مروجان
۹	تسهیلات اداری مورد نیاز مروجان
۱۰	تسهیلات حمل و نقل مورد نیاز مروجان
۱۱	تخصیص منابع مالی برای خدمات ترویج خاص زنان

ب- متغیرهای مستقل

۱- سن، که به سه گروه زیر تقسیم می شود:

سال	گروه
۱۵-۳۰	جوان
۳۰-۴۵	میانسال
۴۵-۶۰	مسن

۲- سرپرست خانوار، به شخصی از خانواده اطلاق می گردد که کنترل کامل منابع تولیدی خانوار، مانند زمین، نهاده ها و غیره را در اختیار دارد و خانواده را از نظر اقتصادی تأمین می نماید که ممکن است زن خانواده، مرد خانواده یا یکی از اعضای خانواده باشد.

۳- تعداد فرزندان، شامل کل فرزندان زنان کشاورز مورد مطالعه.

۴- سطح تحصیلات، به چهار گروه تقسیم می شود: بی سواد، در سطح خواندن و نوشتن، در سطح دوره راهنمایی، در سطح دوره دبیرستان (دیپلم / دیپلم ناقص).

۵- میزان زمین، شامل آن مقدار زمینی که زنان به صورت مالکیت یا اجاره ای در آن کشت می کنند.

۶- مشارکت در سازمانهای کشاورزی، شامل عضویت در سازمانهای مختلف رسمی کشاورزی.

۷- موقعیت اقتصادی - اجتماعی، شامل موقعیت و منزلت زنان در اجتماع که با توجه به متغیرهای مختلف اقتصادی و اجتماعی نظیر زمین، تحصیلات، نوع مسکن، شغل، مالکیت، نوع و اندازه خانواده و میزان حضور در فعالیتهای اجتماعی تعیین می شود.

۸- مشارکت در فعالیتهای مزرعه و فعالیتهای خانه: این متغیر شامل ۱۸ نوع فعالیت در مزرعه و ۵ نوع فعالیت در خانه به شرح زیر است:

فعالیت های مزرعه	فعالیت های خانه
۱- تهیه بستر خاک	۱- بخت و پز
۲- تهیه زمین	۲- تهیه هیزم
۳- آماده کردن زمین	۳- آوردن آب
۴- نشاکاری	۴- خانه داری
۵- کاشت	۵- بچه داری
۶- کودپاشی	
۷- آبیاری	
۸- وجین	
۹- استفاده از آفت کش ها	
۱۰- درو و برداشت محصول	
۱۱- حمل و نقل محصولات	
۱۲- خرمکوبی	
۱۳- بوجاری	
۱۴- انبارداری	
۱۵- تبدیل و فراوری	
۱۶- بازاری رسانی	
۱۷- دامداری	
۱۸- مرغداری	

۹- الگوهای تصمیم گیری؛ در این متغیر، تصمیم گیری در مورد ۱۵ موضوع اصلی مورد نظر می باشد که به چهار صورت زیر است: برعهده شوهر، برعهده زن، برعهده هر دو، توسط یکی از اعضای خانواده (پدر، برادر، فرزندان).

موضوعات مورد نظر عبارتند از:

۱- انتخاب محل کاشت ۲- انتخاب نوع محصول ۳- پذیرش ارقام جدید بذور ۴- خرید نهاده ها ۵- زمان و نحوه استفاده از کودهای شیمیایی ۶- زمان و نحوه استفاده از آفت کشها ۷- فروش محصولات ۸- گرفتن وام ۹- ذخیره سازی محصولات ۱۰- گرفتن کارگر مزدبگیر ۱۱- خرید و فروش دام و ماکیان ۱۲- مدیریت درآمدها ۱۳- خانه داری ۱۴- تربیت فرزندان ۱۵- تهیه آرد برای خانواده ۱۰- نیاز به توصیه های کشاورزی: نیاز را معمولاً به عنوان فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب تعریف می کنند. در این تحقیق، نیاز عبارت است از فاصله بین آنچه یک زن کشاورز درباره فعالیتهای کشاورزی می داند و آنچه باید بداند. بر همین اساس، نیاز زنان در مورد توصیه های کشاورزی طی یک پرسشنامه (شامل سیزده توصیه به شرح زیر) اندازه گیری شده است:

۱- فنون و روشهای کاشت ۲- حاصلخیزی خاک ۳- انتخاب ارقام مناسب بذور ۴- انتخاب و استفاده از کودهای شیمیایی ۵- روشهای دفع آفات ۶- کنترل علتهای هرز ۷- کشت ترکیبی محصولات ۸- فنون و روشهای برداشت ۹- انبارداری و ذخیره سازی محصولات ۱۰- دامداری و مرغداری ۱۱- بازاری رسانی ۱۲- توصیه های مالی و اعتباری ۱۳- تبدیل و عمل آوری محصولات.

جامعه آماری و تعداد نمونه

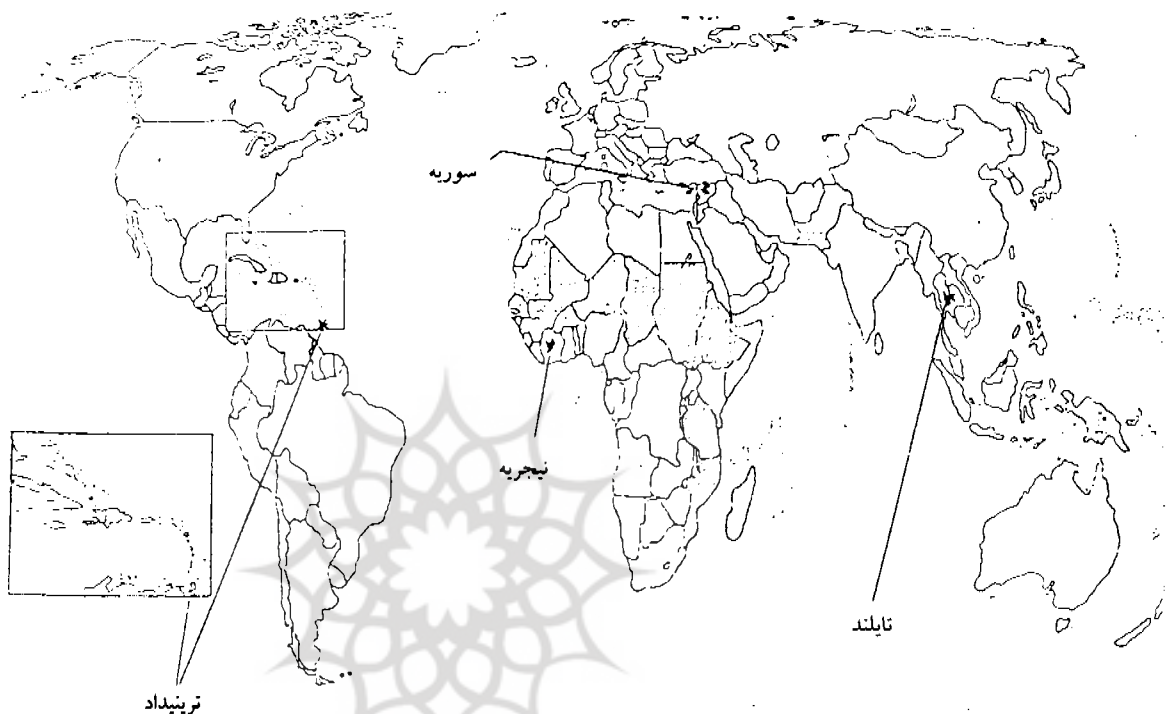
جامعه آماری این تحقیق، زنان کشاورز چهار کشور تایلند، ترینیداد، نیجریه و سوریه است.

برای تعیین تعداد نمونه ها از هر روستا، ۱۰ درصد کشاورزان زن مطابق با فهرستی که توسط وزارت کشاورزی تهیه شده انتخاب گردیده اند. براین اساس، تعداد کل کشاورزان زن انتخابی در هر استان ۸۰ نفر بوده است.

علاوه بر کشاورزان زن تعدادی مروج میدانی، کارکنان فنی (متخصصان موضوعی ترویج) مدیران، سرپرستان، سیاستگذاران و نیز برنامه ریزان - بدون توجه به جنسیت آنها - انتخاب شده اند. ملاک اصلی انتخاب این پاسخگویان، میزان دانش آنها در مورد عملکرد

نوع و تعداد پاسخگویان در چهار کشور انتخابی

کشور	کشاورزان زن	مروجان	متخصصان موضوعی (فنی) سیاستگذاران و برنامه‌ریزان	مدیران، سرپرستان	کل
تایلند	۸۰	۸	۸	۸	۱۰۴
ترینیداد	۸۰	۸	۸	۱۰	۱۰۶
نیجریه	۱۶۰	۱۰	۱۲	۲۲	۲۰۴
سوریه	۱۶۰	۱۶	۱۲	۱۸	۲۰۶
کل	۴۸۰	۴۲	۴۰	۵۸	۶۲۰



ترویج کشاورزی در کشورهاشان بوده است. تعداد کل افراد نمونه به تفکیک در جدول زیر ذکر شده است:

روش نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر روش تصادفی و از نوع طبقه‌بندی خوشه‌ای چندمرحله‌ای، برحسب اهمیت مناطق مورد مطالعه بوده است.

روش جمع‌آوری داده‌ها

پیش‌آزمون تعداد ۳۰ نفر از کشاورزان زن در هر کشور از روستاهای همجوار محل مورد مطالعه انتخاب شده و پرسشنامه اولیه در اختیار آنها قرار گرفت و براساس پاسخهای آنها و با روش «الفاکرونیخ»، اعتبار پرسشنامه موردسنجش قرار گرفت و پس از اعمال تغییرات و اصلاحات لازم، پرسشنامه نهایی تدوین شد.

داده‌ها در چهار مرحله جمع‌آوری شده‌اند:

در مرحله اول، پرسشنامه مخصوص کشاورزان زن به صورت گروهی یا فردی تکمیل شد.
 در مرحله دوم، پرسشنامه مخصوص مروجان در سطح شهرستانهای محل مورد مطالعه به صورت گروهی یا فردی تکمیل شد.
 در مرحله سوم، داده‌ها یا اطلاعات مربوط به نحوه تأثیر نظامهای ترویج کشاورزی در حل مشکلات و برآوردن نیازهای کشاورزان زن برحسب نظر مدیران ترویج در چهار کشور مورد مطالعه جمع‌آوری شد.
 در مرحله چهارم، اطلاعات مربوط به مسائلی که برنامه‌ریزان، سیاستگذاران، مدیران، سرپرستان و کارشناسان متخصص (فنی) در ارائه خدمات ترویج کشاورزی به کشاورزان زن با آنها مواجه هستند، جمع‌آوری شد.

ابزار گردآوری اطلاعات

برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از چهار نوع پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه اول برای کشاورزان زن؛ پرسشنامه دوم برای مدیران و سرپرستان ترویج در هر کشور و راجع به قابلیت‌های خدمات ترویج در ارائه به کشاورزان زن و پرسشنامه سوم برای مروجان شامل نظر آنها درباره نحوه ارائه خدمات ترویج به زنان و نیز انتخاب آنان با توجه به آشنایی‌شان با فعالیتهای ترویج و روشهای انتقال پیامهای ترویجی به زنان؛ و پرسشنامه چهارم شامل نظر کلی سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، سرپرستان، مدیران و کارشناسان متخصص موضوعی (فنی) در مورد بهبود اثربخشی فعالیتهای ترویج در خصوص زنان.

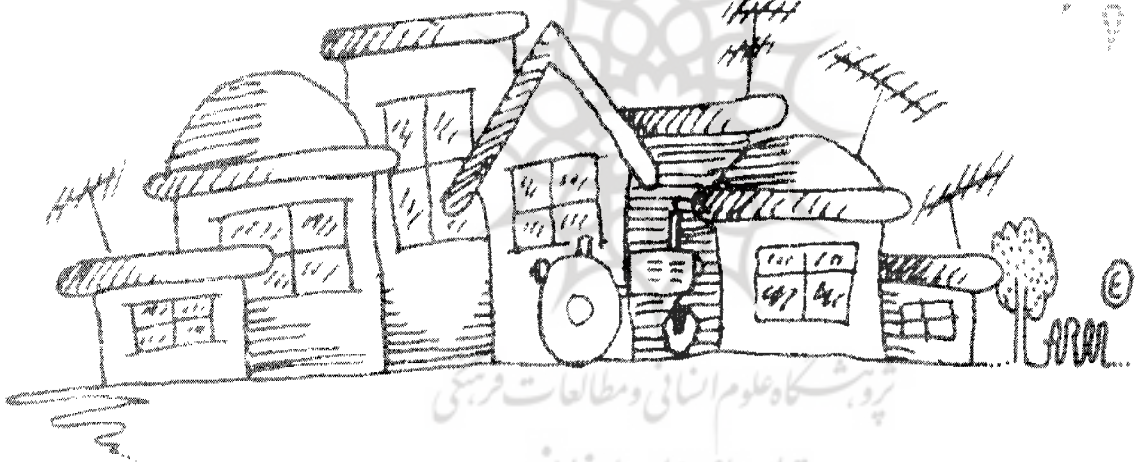


محدودیت‌های تحقیق

- ۱- محدود بودن حوزه تحقیق به فعالیتهای ترویج کشاورزی خاص کشاورزان زن.
- ۲- محدود بودن تحقیق به زنانی که در فعالیتهای کشاورزی سهمیه هستند.
- ۳- کمبود منابع اطلاعاتی کافی درباره موضوع.
- ۴- منظور نشدن فعالیتهای خانه داری زنان.
- ۵- خود نظام ترویج کشاورزی که خدمات ترویج را هم برای مردان و هم برای زنان به طور مشترک ارائه می دهد.
- ۶- مشکلات مالی، کمبود نیروی انسانی و وقت.

یافته‌های تحقیق

- الف- مشخصات زنان به عنوان ارباب رجوع نظام ترویج
 - مطابق جدول توزیع فراوانی، سن بیشتر زنان (بیش از ۵۵ درصد) در دو گروه سنی ۱۵-۳۰ و ۳۰-۴۵ یعنی جوان و میانسال قرار داشتند.
 - در مورد وضعیت تأهل زنان مشخص گردید که بیش از ۶۰ درصد از کل پاسخگویان در چهار کشور مورد مطالعه متأهل بوده اند. نزدیک به ۲۴ درصد از پاسخگویان در کشور ترینیداد بدون شوهر (بیوه) بوده اند.



کشاورزی (سازمانهای رسمی) بوده اند که در مقایسه با آن در تایلند ۷۲ درصد، در ترینیداد ۲۵ درصد و در سوریه فقط ۴ درصد زنان عضو سازمانهای غیررسمی کشاورزی هستند.

● از نظر موقعیت اقتصادی - اجتماعی، در تایلند و ترینیداد به ترتیب ۵۱ و ۴۸ درصد از زنان در سطح متوسط بوده اند؛ اما در نیجریه و سوریه به ترتیب ۸۱ و ۶۶ درصد زنان از موقعیت اقتصادی - اجتماعی در سطح پایین قرار داشته اند.

● اکثر زنان مورد مطالعه در هر چهار کشور به فعالیتهای کشاورزی نظیر نشاکاری، کاشت بذور، و چین و درو محصولات می پردازند و فعالیتهایی نظیر تهیه زمین، استفاده از علف کشتهای و آبیاری کمتر توسط آنها انجام می شود. تبدیل و بازاریابی محصولات فعالیتی است که بیش از ۸۸ درصد از زنان در نیجریه به آن می پردازند، ولی در تایلند این رقم ۳۴ درصد و در سوریه ۵ درصد بوده است. در نیجریه ۹۱/۲۵ درصد از زنان به فعالیت عمل آوری و تبدیل، ۷۳/۱۳ درصد به حمل و نقل محصولات در مزرعه، ۷۱/۲۵ درصد به ذخیره سازی محصولات برای خانواده و ۵۶/۲۵ درصد به خرمکوبی و بوجاری محصول مشغول بوده اند. در مورد تهیه آرد برای مصرف خانواده، اکثر زنان در هر چهار کشور به این امر اشتغال داشته اند. بیش از ۶۰ درصد از زنان در سوریه و نیجریه به جمع آوری هیزم و آب برای مصرف روزانه و بچه داری می پردازند.

● وظیفه تصمیم گیری در مورد انتخاب محل کاشت محصول در تایلند، ترینیداد و نیجریه به ترتیب ۷۰، ۵۵ و ۴۶ درصد به عهده زن و

مرد به طور مشترک است. تصمیم گیری در مورد انتخاب محصول مورد کاشت به ترتیب ۴۳، ۵۱ و ۵۶ درصد و تصمیم گیری در مورد پذیرش ارقام جدید بذور به ترتیب ۵۵، ۴۹ و ۴۵ درصد به عهده زن و مرد در کشورهای مذکور بوده است.

در سوریه تصمیم گیری در مورد فعالیتهای کشاورزی عمدتاً به عهده مردان است. در مورد فعالیتهای خانه داری، پخت و پز، ذخیره محصولات در هر چهار کشور، بیش از ۶۰ درصد تصمیم گیری به عهده زنان است. در تایلند، ترینیداد و نیجریه بیش از ۶۵ درصد تصمیم گیری در مورد مدیریت درآمدها به عهده زنان است، ولی در سوریه این رقم به ۵۶ درصد می رسد.

● در تمامی مناطق مورد مطالعه مشخص شد که فشار کاری زنان چه در کارهای مزرعه و چه در کارهای خانه دو برابر مردان است. در نیجریه ۱۴/۲۶ ساعت، در ترینیداد ۱۷/۷۷ ساعت، در سوریه ۱۱/۷۴ ساعت و در تایلند ۱۱/۶۷ ساعت از وقت زنان در روز صرف فعالیتهای مزرعه و خانه می شود.

● در تایلند زنان در حدود ۲۳ درصد از حق مالکیت زمین برخوردارند، در صورتی که زنان در ترینیداد ۸/۷۵ و در نیجریه ۴/۳۸ درصد حق مالکیت داشته اند. در سوریه ۴۱/۲۵ درصد، در تایلند

که این رقم در تایلند ۱۶ درصد، در نیجریه ۱۴ درصد و در سوریه ۶ درصد بوده است.

● در مورد سرپرستی خانوار مشخص شد که در ترینیداد ۲۶ درصد از زنان، سرپرست خانواده بوده اند، در صورتی که در تایلند ۲۱ درصد، در نیجریه ۱۵ درصد و در سوریه ۴ درصد زنان چنین وضعیتی دارند.

● از نظر تعداد فرزند در نیجریه تقریباً ۷۸ درصد و در سوریه تقریباً ۷۵ درصد از زنان بیش از شش فرزند داشته اند، در حالی که در ترینیداد و تایلند به ترتیب ۹۳ درصد و ۸۹ درصد از زنان بین یک تا سه فرزند داشته اند.

● از نظر سطح تحصیلات، در سوریه نزدیک به ۶۳ درصد از زنان، بی سواد بوده اند که این رقم در نیجریه ۶۰ درصد، در تایلند ۲۰ درصد و در ترینیداد ۵ درصد بوده است.

● بیش از ۶۹ درصد از زنان در سه کشور مورد مطالعه، یعنی ترینیداد، نیجریه و سوریه کمتر از سه ایگر ۵ زمین زیرکشت داشته اند، در حالی که در تایلند، زمین زیرکشت بیش از ۴۶ درصد زنان بین ۳ و ۵ ایگر بوده است.

● در نیجریه تقریباً ۸۶ درصد زنان عضو سازمانهای مختلف

۳۸/۷ درصد، در ترینیداد ۳۰ درصد و در نیجریه ۲۳ درصد از زنان در زمینهای شوهران خود کار می کرده اند.

● در نیجریه درصد زنانی که از وسایل و ادوات جدید کشاورزی استفاده کرده اند ۸۵ درصد، و در سوریه، ترینیداد و تایلند به ترتیب ۶۲/۵، ۵۶/۳ و ۵۳/۸ درصد بوده است.

● در ترینیداد ۴۷/۵ درصد، در تایلند ۴۳/۷۵ درصد، در نیجریه ۳۲/۵ درصد و در سوریه ۱۴/۶۳ درصد زنان از کارگر استفاده می کرده اند.

● بالاترین درصد زنانی که ارقام جدید بذور را مورد استفاده قرار داده اند مربوط به ترینیداد با ۷۷/۵ درصد است که از رقم مربوط در تایلند (۴۸/۴۷ درصد)، در نیجریه (۲۳ درصد) و در سوریه (۱۵ درصد)، بیشتر است.

● در مورد استفاده از کودهای شیمیایی بالاترین درصد مربوط می شود به کشور تایلند با ۹۸ درصد و بعد از آن ترینیداد با ۸۸ درصد (محل تأمین کود در این کشور از فروشگاه موجود در مزرعه یا دلالان بوده است)، ولی در مورد سوریه و نیجریه به ترتیب، درصد استفاده از کودهای شیمیایی توسط زنان ۶۴ و ۵۸ درصد بوده و تهیه کود از طریق بازار آزاد یا توسط شوهرانشان صورت می گرفته است.

● از نظر دسترسی به منابع مالی و اعتباری، در سه کشور نیجریه، سوریه و ترینیداد به ترتیب ۱۱/۸۸، ۳/۷۵ و ۱/۲۵ درصد، دسترسی اندکی به منابع مالی داشته اند، ولی در تایلند ۶۱/۲۵ درصد از زنان از منابع مختلف (اقوام یا واسطه ها) برای فعالیتهای کشاورزی پول گرفته اند. نکته جالب این که، درصد کمی از زنان در تایلند (۳/۷ درصد) و ترینیداد (۱/۲۵ درصد) برای فعالیتهای کشاورزی از بانکهای کشاورزی وام گرفته اند.

● از نظر منبع خرید محصولات، دلالان (واسطه ها) بیشترین منبع خرید محصولات زنان بوده اند، به طوری که در تایلند ۴۶/۲۵ درصد و در سوریه ۴۵ درصد زنان محصولات خود را به دلالان فروخته اند. ولی در نیجریه ۶۸/۲ درصد از زنان محصولات خود را در بازارهای روستایی به فروش رسانده اند. در ترینیداد ۴۷/۵ درصد از زنان محصولات خود را به صورت عمده فروشی و خرده فروشی فروخته اند. ● در مورد تعداد ملاقاتهای مروجان از زنان، بیشترین درصد مربوط به نیجریه است با ۷۸/۱۳ درصد. در سوریه و تایلند این رقم به ترتیب ۵۸/۷۵ و ۳۵ درصد، به طور مرتب یک تا دو ماه یک بار بوده است؛ ولی در ترینیداد بازدید مروجان از زنان نامرتب بوده است.

● از نظر ارائه توصیه های کشاورزی به زنان، اولین منبع در کشور نیجریه و سوریه مروجان بوده اند به ترتیب با ۵۸/۲ و ۴۱/۲۵ درصد، در حالی که ۱۴ درصد زنان ترینیداد توصیه های کشاورزی را از شوهرانشان و ۳۳ درصد زنان تایلند از اقوام خود دریافت کرده اند.

● بزرگترین مشکلاتی که زنان در هر چهار کشور مورد مطالعه با آن روبرو بوده اند، به ترتیب مربوط می شود به هزینه بالای نهاده های کشاورزی، ازدیاد علفهای هرز و عدم وجود تسهیلات انبارداری.

● ضروری ترین توصیه های ترویجی مورد نیاز زنان در هر چهار کشور مورد مطالعه به ترتیب عبارت بودند از: کنترل علفهای هرز، انبارداری محصولات، تبدیل و عمل آوری محصولات.

ب- وضعیت موجود برنامه های ترویج کشاورزی خاص زنان

● سیاست ملی ترویج کشاورزی در مورد درک زنان به عنوان ارباب رجوع خاص ترویج در هیچ یک از کشورهای مورد مطالعه به طور دقیق و مشخص دیده نمی شود. علاوه بر این بجز کشور نیجریه در بقیه کشورهای مورد مطالعه دستورالعملهای مشخصی در مورد بهره گیری از زنان در توسعه و اجرای برنامه های ترویج خاص زنان وجود ندارد.

● سیاستهای ترویج در خصوص دو گروه عمده از کشاورزان، یعنی کشاورزان خرده پا و زنان در سه کشور مورد مطالعه - بجز ترینیداد - به طور صریح و مشخص وجود ندارد.

● از نظر متخصصان موضوعی، در هر چهار کشور مورد مطالعه مشخص شد که اکثراً* کارشناس زراعت، حفظ نباتات و دامپروری در اختیار دارند. در تایلند، نیجریه و سوریه متخصصان موضوعی در سطح استان و منطقه متمرکزند، در حالی که در ترینیداد این افراد در مرکز قرار دارند. در سه کشور مورد مطالعه - بجز ترینیداد - از نظر سازمانی برای آموزش خاص زنان، مروجان زن وجود دارند. در نیجریه و تایلند یک واحد نظارت و ارزشیابی در سازمانهای ترویج وجود دارد. در تایلند، ترینیداد و سوریه بخشهای تخصصی دیگری از جمله واحد انتشارات، واحد سمعی و بصری و واحد آموزش و اطلاع رسانی در امر ترویج فعالیت می کنند.

● نگرش بیش از ۷۰ درصد کارکنان ترویج در چهار کشور مورد مطالعه نسبت به نقش زنان در کشاورزی بسیار خوب بوده است.

● رهیافت غالب ترویج در تایلند، رهیافت گروهی است؛ در حالی که در نیجریه، آموزش و دیدار (T&V) رهیافت غالب محسوب می شود. در ترینیداد و سوریه، رهیافت فردی، رهیافت غالب است. از نظر روشهای ترویجی در تایلند و نیجریه عمدتاً* از روشهای گروهی استفاده می شود، در حالی که در ترینیداد و سوریه بیشتر بر روشهای فردی تأکید می شود.

● تعداد بازدیدهای مروجان در مزرعه و خانه زنان در سوریه، ترینیداد و نیجریه به ترتیب ۵۵، ۲۲ و ۱۲ ملاقات، البته بادر نظر گرفتن تعداد مروجان در این کشورها بوده، در حالی که تعداد جلسات آموزشی ترویجی در نیجریه، تایلند، سوریه و ترینیداد به ترتیب ۲۴، ۲۲، ۱۵ و ۸ بوده است.

● گفتنی است که در نیجریه و سوریه فعالیتهای گروهی ترویج، نظیر کلاسهای ترویجی و نمایشها فقط برای ارائه پیامهای فنی کشاورزی به زنان در نظر گرفته شده، در صورتی که در تایلند و ترینیداد برنامه های ترویج برای زنان و نیز مردان اجرا می شوند.

● از نظر مشارکت زنان در برنامه ریزی های ترویج، در کشورهای مورد مطالعه، زنان در برنامه ریزی های ترویج تقریباً* نقشی ندارند.

● ارتباط تحقیق و ترویج در تایلند و نیجریه طوری است که هر زمان ضرورت ایجاد کند، این ارتباط به وجود می آید، در حالی که در سوریه و ترینیداد این ارتباط ضعیف است.

● نظام نظارت و ارزشیابی فعالیتهای ترویجی خاص زنان در تایلند و نیجریه در حد ضعیف و در ترینیداد و سوریه در حد خیلی ضعیف است.

● درصد مروجان زن در تایلند ۴۳ درصد، در ترینیداد ۳۱ درصد، در نیجریه ۲۲ درصد و در سوریه ۱۴ درصد است. جالب این که از کل مروجان زن در نیجریه ۹۵ درصد آنها به طور اختصاصی فقط موضوع اقتصاد خانه داری را آموزش می دهند؛ اما در تایلند این رقم به ۳۵ درصد می رسد.

● نسبت متخصصان موضوعی ترویج به مروجان در تایلند و ترینیداد ۱:۸ بوده است که نسبت خوبی است، ولی در نیجریه این نسبت به ۱:۲۷ و در سوریه به ۱:۶۸ می رسد.

● تسهیلات اداری برای مروجان در نیجریه و سوریه در سطح بلوک وجود دارد، در صورتی که در تایلند و ترینیداد تسهیلات در سطح بخش مهیا هستند.

● از نظر تسهیلات حمل و نقل، بجز سوریه در سه کشور دیگر، این تسهیلات در حد خیلی خوب گزارش شده، اما مروجان زن نسبت به مروجان مرد در سه کشور سوریه، نیجریه و تایلند با مشکلات فقدان همکاری و نبود بسیج مردمی روبرو هستند.

● از بین چهار کشور مورد مطالعه فقط در کشور تایلند برای زنان، بودجه مجزایی در نظام ترویج اختصاص داده شده است. البته این بودجه اختصاصی، عمدتاً* صرف فعالیتهای اقتصاد خانه داری می شود. بالاترین درصد بودجه ترویج در سه کشور مورد مطالعه، صرف پرداخت حقوق به پرسنل می شود که این مقدار در تایلند ۸۵ درصد، در نیجریه ۸۴ درصد و در ترینیداد ۷۵ درصد است.

● از بین پیامهای مختلف ترویجی، شش پیام برای زنان مفید و

سیاست ملی ترویج کشاورزی در مورد درک زنان به عنوان ارباب رجوع خاص ترویج در هیچ یک از کشورهای مورد مطالعه به طور دقیق و مشخص دیده نمی شود. علاوه بر این بجز کشور نیجریه در بقیه کشورهای مورد مطالعه دستورالعملهای مشخصی در مورد بهره گیری از زنان در توسعه و اجرای برنامه های ترویج خاص زنان وجود ندارد.

مناسب تشخیص داده شد که به تفکیک کشور عبارتند از: فنون برداشت محصولات (سوریه)، ذخیره و نگهداری محصولات (نیجریه و سوریه)، مرغداری (سوریه)، تشکیل گروههای زنان (تایلند و نیجریه)، عمل آوری و تبدیل محصولات (تایلند، نیجریه و سوریه) و اقتصاد خانه داری (تایلند و سوریه). در تایلند برنامه های ترویج بدون در نظر گرفتن جنسیت کشاورزان تنظیم می شوند.



● میانگین حضور زنان در کلاسها

و جلسات آموزشی، نمایش طریقه ای و روزهای مزرعه ۸۰ درصد بوده است که این درصد در مورد تایلند ۴۰ و در مورد ترینیداد ۲۵ درصد به دست آمده است. میزان شرکت زنان سوریه در کلاسهای آموزشی ۳۹ درصد و در نمایش طریقه ای ۲۸ درصد بوده است.

● اصلی ترین دلایل پایین بودن مشارکت زنان در فعالیتهای ترویجی در هر چهار کشور مورد مطالعه به ترتیب، مشغله کاری (نداشتن وقت) و فقدان انگیزه بوده است.

● مشکلات اصلی ارائه خدمات ترویج به زنان از نظر مروجان (زن و مرد) در هر چهار کشور مورد مطالعه به ترتیب، فقدان فناوری مناسب و سازگار با زنان و فقدان وسایل و امکانات آموزشی عنوان شده است.

● بیش از ۳۴ از کل پاسخگویان در چهار کشور مورد مطالعه، عوامل مؤثر بر اثربخشی فعالیتهای ترویج خاص زنان را به شرح زیر عنوان کرده اند:

- انجام تحقیقات در خصوص مسائل جنسیتی (۹۱ درصد)،
- مشارکت دادن زنان در کلیه مراحل برنامه ریزی و تدوین برنامه های ترویج (۸۸ درصد)،
- تأسیس تشکلهای خاص زنان (۸۶ درصد)،
- نظارت و ارزشیابی بر برنامه های ترویج خاص زنان (۸۱ درصد)،
- در نظر گرفتن زنان به عنوان مخاطبان اصلی برنامه های سوادآموزی و بسیج مردمی (۸۰ درصد)،
- آموزش مروجان به منظور ارائه خدمات برای زنان (۷۹ درصد)،
- اختصاص بودجه کافی برای تأمین امکانات و تجهیزات آموزشی و نمایشی (۷۷ درصد)،
- آموزش مروجان مرد در مورد شناخت مشکلات و نیازهای خاص زنان (۷۶ درصد).

نتیجه گیری

از یافته های این تحقیق می توان نتیجه گرفت که زنان در چهار کشور مورد مطالعه،



همگن نبوده‌اند. آنان موقعیتهای اقتصادی - اجتماعی و نیازهای مختلفی داشته‌اند و روشهای ترویجی و تماسهای ترویجی مختلفی برای آنها به کار گرفته شده است. همچنین می‌توان گفت که میزان و نحوه مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی از منطقه‌ای به منطقه دیگر فرق می‌کند؛ اما به رغم این تفاوتها، زنان در کلیه فعالیتهای کشاورزی - بجز تهیه زمین - مشارکت فعال داشته‌اند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که الگوهای تصمیم‌گیری در فعالیتهای کشاورزی به نفع زنان در حال تغییر است؛ به طوری که زنان چه در فعالیتهای کشاورزی و چه در فعالیتهای خانه، عضو فعال و تصمیم‌گیرنده محسوب می‌شوند. به رغم نقش مهمی که زنان در تولید دارند، آنان معمولاً با مشکلات فراوان مواجهند. دسترسی زنان به نهاده‌های کشاورزی اندک است که این امر باعث کاهش قابل ملاحظه در میزان تولید و بهره‌وری کشاورزی آنان شده است. از یافته‌های تحقیق چنین نتیجه‌گیری می‌شود که زنان برعکس آنچه در آمار و ارقام و نوشته‌ها ذکر می‌شود از توانایی و قابلیت بسیار در برقراری ارتباط برای دریافت خدمات ترویج برخوردارند. گرچه ممکن است برخی زیربخشهای ترویج با مشکلات تولیدی زنان آشنا باشند، ولی نظام تحقیقات با مشکلات زنان آشنا نیست. این امر بیانگر رابطه ساختاری ضعیف بین ترویج و تحقیق است.

به دلیل اینکه تحقیقات اندکی درخصوص مسائل زنان و بهبود اثربخشی فعالیتهای آنان صورت گرفته، ترویج کشاورزی با کمبود فناوری مناسب و جدید برای گذر از کشاورزی سنتی به کشاورزی پیشرفته درخصوص زنان مواجه است.

مروجان مرد در برخی کشورها در برگزاری کلاسهای آموزشی، زمانها و مکانهایی را انتخاب می‌کنند که زنان نمی‌توانند در آن

کلاسها شرکت کنند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شناخت و درک ناقص کارکنان ترویج از نقش زنان در فعالیتهای کشاورزی منجر به نادیده انگاشتن زنان در برنامه‌ریزیهای ترویجی و عدم توجه به شرایط فرهنگی - اجتماعی، امکانات و محدودیتهای آنان شده است. متعاقب آن، فقدان اهداف ترویجی صریح و مشخص که در آن زنان به عنوان مخاطبان اصلی در نظر گرفته شوند و همچنین فقدان دستورالعملهای خاص مربوط به مسائل جنسیتی، باعث کاهش اثربخشی ترویج در خدمات‌رسانی به زنان شده است. علاوه بر موارد مذکور، مشکلات موجود در نظام ترویج، از جمله نبود تسهیلات و امکانات آموزشی، نبود مروج زن و کمبود بودجه، بیش از پیش بر اثربخشی ترویج تاثیر

گذاشته است.

پیشنهادها

- ۱- نقش زنان در کشاورزی و تولید غذا به درستی شناسایی شود.
- ۲- مشکلات و نیازهای تولیدی زنان به عنوان منبأ در برنامه‌ریزیهای ترویج مدنظر و توجه قرار گیرد.
- ۳- زنان در برنامه‌های ترویجی خاص

- ۷- کلاسهای آموزشی و جلسات متناسب با وقت آزاد زنان تشکیل شود.
- ۸- تشکلهای زنان در جهت افزایش دسترسی آنان به خدمات ترویجی، اعتباری، نهاده‌ها و بازاریابی تأسیس و تقویت شود.
- ۹- به مروجان درخصوص روشهای ترویج، فنون بسیج و مشارکت مردمی و رهبری زنان آموزشهای لازم داده شود.
- ۱۰- زنان درخصوص بازاریابی، دسترسی به منابع مختلف، نهاده‌ها و اعتبارات تحت آموزش قرار بگیرند.
- ۱۱- زنان جزء لاینفک سیاستهای ترویج کشاورزی محسوب شوند.
- ۱۲- بودجه‌ای کافی به ارائه خدمات به زنان و فعالیتهای خاص آنان تخصیص یابد.
- ۱۳- برنامه‌های ترویج به تفکیک جنسیت به نحو مستمر تحت نظارت و ارزشیابی قرار گیرند.

منابع مورد استفاده

- ۱- فائو. زنان در توسعه کشاورزی برنامه کار فائو، مترجم غلامحسین صالح‌نسب، معاونت ترویج وزارت جهاد سازندگی (سابق). ۱۳۷۴.
- ۲- دفتر امور زنان ریاست جمهوری و یونیسف، نقش زنان در توسعه، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۶.
- ۳- شادی طلب. ژاله، «زنان کشاورز ایرانی در برنامه‌های توسعه»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. سال سوم، بهار ۱۳۷۴.



- ۴- موحدی، رضا «بررسی اثربخشی طرحهای مشترک تحقیقی - ترویجی» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.

خودشان شرکت داده شوند.

- ۴- ارائه خدمات ترویجی، با توجه به برابریهای جنسیتی صورت گیرد، به طوری که زنان به طور کامل از خدمات ترویج از جمله کلاسهای آموزشی، روشهای آموزشی و نمایشی، روز مزرعه و سایر فعالیتهای بهره‌مند شوند.
- ۵- انتخاب زنان به عنوان کشاورزان تماس، در کشورهایی که نظام آموزش و دیدار حاکم است.
- ۶- در بین زنان ایجاد انگیزه شود، به گونه‌ای که بتوانند پیامهای ترویجی را به سایر کشاورزان منتقل کنند.

5- Dutta Das Manju (1996). Improving the relevance and effectiveness of Agricultural Extension Activities for women farmers, FAO, Rome.

6- Adeniji, M.A. (1991). the role of rural women in household food security and nutrition in Ibadapo local Government Area of oyo State. university of Ibadan.